

ایران



سخن‌روز

امام‌رضاع) می‌فرمایند:

در ترازوی عمل چیزی سنگین‌تر از خلق نیکو نیست.

اخبار الرضاع) جلد ۲ ص ۳۷


نگاره
کرونا در کمین است، مراقب باشیم


فضای مجازی

شعری درباره بازگشت پیکر شهید اوشانا از قزو، تذکر اهمیت حفظ اقتدار پلیس از سوی یک نویسنده کودک، تریبک میثم مطیعی به همکلاسی قدیمش، گرامیداشت آواز بختیاری در کنسرت گرشا رضایی و توصیه گلاره عباسی برای یک جلسه بررسی موسیقی نواحی را در فضای مجازی امروز بخوانید.


بازگشت شهیدی که «از تبار مسیح و مریم بود»

علیرضا قزوه شاعر، ضمن نقل توثیقی که در آن با انتشار تصاویری از شهید «جانی به اوشانا» و مراسم تشییع او نوشته شده بود: «یکی از غیرمتندان سرزمینم باز آمده، خوش آمدی برادرم» چند بیت شعر را تقدیم محضر این شهید ارمنی کرد:

«جانی بت غربت مجسم بود

از تبار مسیح و مریم بود

صد هزار آفرین به غربت او

به بزرگی او، و شرافت او

مرحبا مرحبا به اوشانا

هست جایش به روی دیده ما»


کودکان باید بدانند
«وقتی که ما می‌خواهیم آقا پلیسه بیداره»

فریبا کلهر، نویسنده کودک و نو جوان در اینستاگرامش، اهمیت حفظ اقتدار پلیس خصوصاً برای کودکان و خانواده‌ها را یادآورده شده و تریبون‌هایی را نقد کرده است که به دنبال خدشه‌دار کردن اقتدار پلیس هستند. او نوشته است: «سالانه هزاران کتاب درباره پلیس برای کودکان چاپ می‌شود تا کودکان از پلیس نترسند و حس خوبی به آنها داشته باشند تا بدانند در موقعیت‌های خطرناک پلیس حامی آن‌هاست تا بدانند گاهی امن‌ترین پناهگاه ماندن در کنار پلیس است تا بدانند وجود پلیس برای حفظ امنیت و آرامش ضروری است. در دنیا هزاران دلار خرج می‌شود تا احساس کودکان نسبت به پلیس و کارایی‌اش شکل مطلوب به خود بگیرد تا همه باور کنند «وقتی که ما می‌خواهیم آقا پلیسه بیداره». شکستن اقتدار پلیس و در کل ارتش و نیروهای حافظ امنیت می‌تواند یک بازی فوتبال را به فاجعه بکشاند. این حیطه جدی‌تر از آن است که به دست فوتبالیست و خواننده و بازیگر و نماینده مجلس و هر کس دیگری خدشه‌دار شود.»

با زمزمه‌های عاشقانه و آثار حماسی‌ات کولاک کردی

میثم مطیعی، مداخل و نوحه‌سرا در رشته توثیقی انتخاب همکلاسی‌اش، محمد مهدی سبیار را به عنوان چهره سال هنر انقلاب تریبک گفت: «سلام همکلاسی. رفاقتمان از روزی که وارد دانشگاه شدیم و سرریک کلاس مشریتیم به ۲۱ سال رسید. خیلی بلد نیستم در مورد عزیزترین‌هایم بنویسم. فقط بگویم نه امسال که سال‌هاست برای من و خیلی از مردم چهره هنر و ادبیات این سرزمین هستی؛ چه با کتاب‌های شعرت که به قول رهبرمان در آنها کولاک کرده‌ای! چه با زمزمه‌های عاشقانه‌ات، چه با آثار حماسی و ملی‌ات؛ چه با شعرهای عدالتخواهانه و اعتراضی‌ات و چه با اشعار آیینی و نوحه‌ها و دم‌پایانی‌های پر خاطره‌ات؛ بارها دیده‌ام که غیر فارسی‌زبان‌های عاشق اهل بیت و انقلاب، در کشورهای مختلف این نوحه‌ها را زمزمه می‌کنند. مبارک باشد مرد.»


آواز بختیاری، یادگار چندهزار ساله سرزمین ماست

گرشا رضایی، خواننده به شهرکرد رفته است و چند شب کنسرت را در آنجا برگزار می‌کند. به همین مناسبت ضمن اجرای آواز بختیاری در اینستاگرامش نوشته است: «آواز بختیاری، یادگار چندهزار ساله سرزمین ماست. میراثی پر از اشک‌ها و لبخند. خیلی این آواز را مادرم خیلی دوست داشت. تقدیم به همه بختیاری‌های غیور و با فرهنگ در کنسرت بی نظیر «شهرگرد» هفتم اردیبهشت.»



معرفی و بررسی موسیقی نواحی ایران با حضور استاد درویشی
گلاره عباسی با انتشار یک پست در استوری اینستاگرامش از برگزاری یک جلسه معرفی و بررسی موسیقی نواحی ایران با حضور محمدرضا درویشی، پژوهشگر، محسن شریفیان نوازنده و خواننده و ماهر گل مقتدر، مجری و کارشناس خبر داده و نوشته است: «استاد محمدرضا درویشی، پژوهشگر موسیقی نواحی، میهمان اولین ایپزود این فصل برنامه ضربانگ است.»

• **صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیرمسئول :** محمد حسن روزی‌طلب

• **سردبیر:** کمیل نقی‌پور

• **معاون فنی:** محمدملعلی اکبری

• **دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی)

• مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وتوق‌کیا(فرهنگی) « آزاده سهرابی (اجتماعی)

• بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست)

• لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)

• زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)

• مهدی کلهرزاد(اجرایی)

• حجت حکیمی (صفحه‌آرایی)

• محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول



محمدحسین لطیفی کارگردان

تحقق آرزوی لطیفی برای تصویر غربت خرمشهر

بالغ بر ۱۶ سال است که در حیطه دفاع مقدس تلاش می‌کنم و ماه گذشته نیز تلاش من در ارتباط با ساخته شدن یک سریال ۴۰ قسمتی درباره خرمشهر بوده است. ۶ قسمت اول این سریال قبل از جنگ است و ۳۴ روز، یعنی ۳۴ قسمت از روزهای مقاومت مردم خرمشهر، هر کدام یک قسمت است. این ۴۰ قسمت جزو آرزوهای من بوده که غربت مردم ایران و مردم خرمشهر را در روزهای آغازین جنگ به تصویر بکشم.

بخشی از صحبت‌های این کارگردان سینما با برنامه «فرا متن»

کلمه

نگاه توسعه‌ای

لازمه صنعت نشر حرفه‌ای


علی‌الله سلیمی نویسنده و منتقد ادبی

تعاریفی که از صنعت نشر حرفه‌ای در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه شنیده‌ایم تقریباً متفاوت با آن چیزی است که امروزه در بخش‌های مختلف صنعت نشر خودمان می‌بینیم. نگاه حرفه‌ای و چندسویه به این صنعت که باز فرهنگی آن کمتر از جنبه‌های اقتصادی آن نیست، باعث شده است دستاوردهای این صنعت فرهنگی در اغلب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه قابل توجه باشد به گونه‌ای که بخش زیادی از اهداف فرهنگی دولت‌ها از طریق انواع محصولات فرهنگی این بازار به جوامع داخلی و حتی بین‌المللی عرضه می‌شود و به خاطر کیفیت مطلوب و حرفه‌ای آن، مورد پسند و اقبال مخاطبان گسترده قرار گیرد. در حال حاضر اغلب کشورهای پیشرفته و حتی در حال توسعه روی این صنعت فرهنگی اثرگذار، سرمایه‌گذاری هنگفتی می‌کنند تا علاوه بر بازارهای داخلی، در بازارهای بین‌المللی هم سهم قابل توجهی داشته باشند، چراکه موفقیت در این صنعت فرهنگی متضمن موفقیت‌های گسترده در سایر حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی محسوب می‌شود. این مسأله از آن جهت اهمیت فراوان دارد که امروزه کشورها و دولت‌هایی می‌توانند ادعای برتری در رقابت‌های جهانی داشته باشند که در ابتدا برتری فرهنگی خود را تثبیت کنند و برای توسعه همه‌جانبه آن برنامه‌های مدون و بلندمدت در نظر بگیرند. در این میان، صنعت نشر در شکل حرفه‌ای آن، همواره به‌عنوان یک اهرم قوی و اثرگذار عمل می‌کند و کشورهایی که از ظرفیت‌های بالا و بالقوه آن به شکل بهینه استفاده کنند، طبعاً در پیمودن بقیه راه توسعه در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی موفق‌تر خواهند بود. در چنین حالتی آنچه امروزه در کشور ما به‌عنوان صنعت نشر شناخته می‌شود، بیشتر شکل بومی و در موارد ابتدایی یک صنعت فرهنگی-اقتصادی با ابعاد جهانی است که از زیرساخت‌های لازم برای رقابت‌های گسترده در عرصه‌های بین‌المللی برخوردار نیست. فعالیت اغلب ناشران در کشور ما به شکل غیرحرفه‌ای است به گونه‌ای که برخی حتی مکاتبی به‌عنوان دفتر نشر ندارند و امور نشر خود را به شکل پراکنده و غیرمتمرکز پیگیری می‌کنند و پیش می‌برند. تعداد کتاب‌های منتشر شده برخی از این ناشران در طول سال حتی به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد و آنها با توجه به اصول و معیارهای نمایشگاه‌های داخلی و خارجی امکان شرکت در رویدادهای بزرگ فرهنگی را هم ندارند. آثاری که از طریق این ناشران منتشر می‌شود، شناس حضور در ابعاد رویدادهای فرهنگی را از دست می‌دهد و به نوعی از توزیع مناسب در بازار کتاب هم محروم است. برای حرکت به سمت حرفه‌ای شدن در این صنعت، باید از پایه شروع کرد و همواره نگاه توسعه‌ای داشت.

پیشنهاد

همراه با «جهان‌آرا» در کوچه پس‌کوچه‌های خرمشهر

«جهان‌آرا» کتابی است درباره یکی از بزرگان دفاع مقدس، فرمانده‌ای که هدایت سپاه خرمشهر را به عهده داشت و ردپای تلاوری و جان‌فشانی‌هایش بر پیکر فرهنگ و هنر هم نشست. صدق مردمی‌اش همان قطعه مشهور امدم نبوده بیبینی است که کویتی‌پور خواند و به ندرت می‌توان فردی را یافت که سال‌های جنگ را زیسته باشد اما چند مرتبه‌ای این نوحه حزن‌انگیز کویتی‌پور را زمزمه نکرده باشد. کتاب «جهان‌آرا»، جستارهایی از زندگی و خاطرات شهید سید محمد علی جهان‌آرا را شامل می‌شود.

این کتاب حاصل گفت‌وگوهای مفصلی با همرزمان، خوهران و همسر شهید جهان‌آرا است که به همت مزداآبادی تدوین و نگارش یافته است. هریک از مصاحبه‌شوندگان از دریچه نگاه خود بی‌رای معرفی جهان‌آرا به مخاطب کوشیده‌اند؛ نقطه قوتی که به شناساندن هرچه بهتر وجوه شخصیتی‌اش به نسل حاضر و حتی آیندگان کمک خواهد کرد. مزداآبادی وقتی پیگیر گفت‌وگو با همسر شهید جهان‌آرا می‌شود درباره این پرس و جو می‌کند که چرا به غیر از یک مصاحبه در سال ۷۷ دیگر هیچ تعاملی با رسانه‌ها نداشته!

وی از برخی دلگیری‌ها که سبب دوری‌اش بوده می‌گوید و در نهایت بعد از گذشت سال‌های بسیار در همکاری برای تألیف این نوشته اعلام آمادگی می‌کند، کتابی که چندی است با عنوان «جهان‌آرا» و به همت انتشارات ایران در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته. با وجود شهرت شهید «جهان‌آرا»، آثار مکتوب چندانی درباره‌اش در دست نیست و همین عاملی بوده تا مزداآبادی سراغ همرزمانش نیز برود و در نهایت موفق به انجام ۶۴ ساعت مصاحبه با ۲۲ نفر از یاران و همرزمان «جهان‌آرا» شود. برای پرهیز از سردرگمی مخاطب، مزداآبادی کتاب را فصل بندی کرده که هر کدام عنوان‌های مختلفی را شامل می‌شوند.

فصل ابتدایی کتاب تصویرسازی‌هایی از کوچه پس‌کوچه‌های محله و خانه این فرمانده را در خرمشهر ارائه کرده؛ اینکه چطور یک تاجرزاده از زندگی عادی‌اش صرف‌نظر کرده و سر از فعالیت‌های سیاسی- مذهبی درمی‌آورد. در خلال فصل‌های بعدی نیز به کمک راویان مختلف با سیر زندگی و فعالیت‌های شهید جهان‌آرا روبه‌رو می‌شوند. در کنار ارائه مطالب متعددی از راویان مختلفی که در کتاب آمده شاید یکی از جذاب‌ترین قسمت‌ها را بتوان روزنوشت‌های خود شهید جهان‌آرا دانست که تقریباً بخش پائینی اثر مزداآبادی را تشکیل داده است. در بخشی از کتاب آمده: «بعد از اینکه خرمشهر دست عراقی‌ها افتاد، اوضاع روحی همه خراب بود. جهان‌آرا با اینکه خودش حال مناسبی نداشت، سعی می‌کرد به بقیه روحیه بدهد و می‌گفت: «ما باید قوی باشیم تا بتوانیم در مقابل حوادث این چنینی مقاوم باشیم.» با این حال، چون همه جوان بودیم، سقوط خرمشهر تأثیر بدی روی ما گذاشته بود.»

جهان‌آرا
علی اکبر مزداآبادی
انتشارات ایران

• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵

• **پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۳۳ • **روابط عمومی:** **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸

• **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰

• **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم

• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT

• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)

• **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



ابوالحسن خرقانی را گفتند: راستی چیست؟ گفت: آنکه دل، بیش از زبان گوید.

کشکول شیخ بهایی

یادداشت

دل‌نوشته وحید جلیلی در سالگرد رحلت آقای نادر

می‌شود عاشقانه گریه کرد از داغ نداشتنش

یک سال بعد... می‌شود هنوز عاشقانه گریه کرد از داغ تلخ نداشتنش و می‌شود صد دانه تسبیح شیرین الحمدلله گفت برای داشتنش. خدا را شکر که نادر طالب‌زاده را داریم و سید مرتضی آوینی را و مصطفی چمران را و قاسم سلیمانی را و... و بیاورند اگر دارند مشابهش را. فرنگی‌ها می‌گویند جنتلمن، ما می‌گوییم آدم حساسی، معتمد، مطمئن، عبدالله و خدا داد. هدیه خدا بود انگار. هر که داشتش، جا داشت فخرش را بفروشد؛ فخر او را که فخر فروش نبود با همه افتخاراتش.

«حال خوبی داشت»، مهم‌ترین جمله‌ای که می‌توانستی از او درباره کسی بشنوی و حالا می‌شود درباره خودش این را گفت. حال خوب؛ معیار تحسینش همین بود همیشه و چه حالی پیدا کرده بود از پس گذشته‌ای که رهایش کرده بود به شوق آخرالزمان، زمانی موازی، جهانی دیگر.

معلوم بود اول مقلب‌القلوب والاِصرار شسته دل و دیده‌اش را با آبی آسمانی؛ این را چشم‌هایش می‌گفت و از بهمن ۵۷ به عنایت حضرت محول‌الاحوال به جهان دیگر با گذاشته بود و چه بود انقلاب، اگر عبور از جهل به عقل، از ظلمت به نور و از دنیا به آخرت نبود؟

شعما را علی مؤذنی روایت کرده در رمان ارتباط ایرانی. «خواننده‌ای آن رمان را؟! + بله سال‌ها پیش. - قهه منه، لحظه‌ای سکوت و شلیک خنده. یکی یکی صحنه‌هایش یادم می‌آمد و می‌خندیدیم دوباره با هم. چرا حدس زده بودم همان اول؟ رمان بود آخر، داستان بود، تخیلی، ساختگی، مصنوعی، یافتنی، دروغی و حالا ما بودیم و نادر طالب‌زاده. داستانی که پا در واقعیت گذاشته بود و نه واقعیتی که بیپوند به قصه‌ها و چه خوب که خیال نبود و خواب و سراب؛ حقیقتی بود و هست کنارمان. حالش خوب بود همیشه. در خوزستان ۱۳۶۵ باشد یا گرازه ۱۹۹۲ یا فتنه ۸۸. سیر نمی‌شد لیخند از روی ماهش، مولایش گفت

«بشرفه فی وجهه»؛ نادر طالب‌زاده صاحب عمیق‌ترین لیخند به غرب‌زده‌ها در ایران معاصر.

سینمایی‌ها وقتی سرمی چرخاندند در میان خودشان، عاقبت هم کسی را نمی‌یافتند برای دیالوگ با نماینده هالیوود مدرن بهتر از دبیر جشنواره عمار و می‌پذیرفت با بزرگواری و لیخند که مدرک کلمبیا یونیورسیتی و شاگردی استغافن شارف را نکشید هیچ وقت به رخ آنها که به رخ می‌کشند رخ به رخ شدن با اکتوری در کن یا اکثریتی در ونیز، پشت توالی یا روی کارتی.

از فرق سرت ناخن پایشان، قصیده بلند انقلاب اسلامی توحید را، سبحان‌الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر و باید نیمه‌شب‌های سرد بیماری، دیده باشی‌اش در فنون‌های گرم. وضویش دست شستن بود از اعتراضات سهمگین قاضی به مصاهره اشتباهی. زندگی‌اش نماز بود؛ نماز عصر، نماز راز، نماز بشارت، نماز شقایق، نماز ساعت، نماز آقیق، نماز عمار و نماز جعفر طیار.

یک سال بعد... می‌شود هنوز عاشقانه گریه کرد تا صبح از داغ تلخ نداشتنش و می‌شود صد دانه تسبیح شیرین الحمدلله گفت برای داشتنش. خدا را شکر که نادر طالب‌زاده را داریم و سید مرتضی آوینی را و مصطفی چمران را و قاسم سلیمانی را و... «فرجین یما آلتهم‌الله من فضله و یتسبیحونون بالذین لسن یلخقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم یخزنون.»

دوگین با در کلاس استغافن شارف یا در بحث با مصطفی عقدا یا حتی در رفاقت با موجود ممتاز و آسمانی دیگری به نام سید مرتضی آوینی که در خلوتش با خدا باید دید. هوادار کت استیونس به عشق جعفر طیار رسیده بود، با هجرت. دوستانش می‌دانند که چقدر دوست داشت سوره زلزال را، والعدایات را، نصرا، توحید را، سبحان‌الله و الحمدلله و لا اله الا الله و الله اکبر

و باید نیمه‌شب‌های سرد بیماری، دیده باشی‌اش در فنون‌های گرم. وضویش دست شستن بود از اعتراضات سهمگین قاضی به مصاهره اشتباهی. زندگی‌اش نماز بود؛ نماز عصر، نماز راز، نماز بشارت، نماز شقایق، نماز ساعت، نماز آقیق، نماز عمار و نماز جعفر طیار. یک سال بعد... می‌شود هنوز عاشقانه گریه کرد تا صبح از داغ تلخ نداشتنش و می‌شود صد دانه تسبیح شیرین الحمدلله گفت برای داشتنش. خدا را شکر که نادر طالب‌زاده را داریم و سید مرتضی آوینی را و مصطفی چمران را و قاسم سلیمانی را و... «فرجین یما آلتهم‌الله من فضله و یتسبیحونون بالذین لسن یلخقوا بهم من خلفهم الا خوف علیهم ولا هم یخزنون.»

اطلاعیه

راه‌اندازی سامانه

ثبت درخواست استخدامی متقاضیان کار در معاونت بازرگانی شرکت مس

شرکت ملی صنایع مس ایران به منظور تکمیل بانک اطلاعاتی سرمایه انسانی متخصص و تاملین نیروی انسانی مورد نیاز خود در زمان جذب، اقدام به راه‌اندازی سامانه ثبت درخواست استخدامی متقاضیان کار کرده است.

ثبت نام در این سامانه به منزله استخدام نخواهد بود و هیچ تعهدی را برای شرکت به دنبال نخواهد داشت.

آدرس سامانه:
https://jobs.nicico.com/#/login